

موضوع: خارج فقه مسائل کرونا ویروس

جلسه پنجم / ۲۰ فروردین ۹۹

استاد سید احمد خاتمی

خلاصه جلسه گذشته

در خصوص مباحث مرتبط با بیماری کرونا از مراجع تقلید استفتاء شده، آیا می توان زکات را در مبارزه با کرونا ویروس خرج و مصرف کرد؟ یعنی، برای ضد عفونی کردن شهرها و اماکن و نیز برای تهیه ابزار ضد کرونایی، آیا مصرف زکات جایز است؟ گفتیم جواز زکات در این موارد مصرف کند از باب سبیل الله است. به عبارت دیگر هزینه های مبارزه با کرونا ویروس زیر مجموعه سبیل الله قرار می گیرد.

مراد از سبیل الله

گرایش عمومی اهل سنت، سبیل الله مخارج مربوط به جبهه است. و گرایش عمومی شیعه، مراد، مصارفی که خیر عمومی و مصالح عمومی است. فقهاء، مصارف قربی شخصی را از موارد سبیل الله مانند برای رفع اختلاف زن و شوهر یا اختلاف بین پدر و فرزند نمی دانند و نباید از فی سبیل الله هزینه کرد.

امام راحل و مرحوم بروجردی مصالح را مقید به عمومی کردن یعنی در مصالح عمومی می توان از فی سبیل الله خرج کرد. در مقابل تعداد زیادی از علماء و قدمای شیعه سبیل الله را تفسیر به جهاد کرده اند.

شیخ طوسی در النهایة می فرماید: باب مستحق الزکات اقل ما یعطی و اکثر: الذی یتستحق الزکاة هم الثمانية هم الفقراء و المساکین و العاملون علیها و المولفة قلوبهم و فی الرقاب و الغارمون و فی سبیل الله و هو الجهاد [1]. شیخ طوسی گفته سبیل الله جهاد است. شیخ مفید- استاد شیخ طوسی و تهذیب شیخ طوسی شرح کتاب مقنعه است- در کتاب المقنعة می فرماید: فی سبیل الله و هو الجهاد . [2] کتاب المراسم فی الفقه الامامی که از شاگردان شیخ مفید است می گوید: و فی سبیل الله و هو الجهاد . [3] علاء الدین حلبی ابی از قدماء است ص ۱۱۲ می فرماید: و فی سبیل الله و هو الجهاد الحق. در نتیجه این فقهای بزرگ سبیل الله را به جهاد معنای کرده اند و چیز دیگری در معنی آن نگفته اند ولی شیخ طوسی در الجمل والعقود می فرماید: و فی سبیل الله و هو ما جرى مجراه . [4] بنابراین شیخ طوسی در معنی فی سبیل الله چیز اضافه ای گفته اند.

استاد: سوال- آیا قدماء واقعاً مواردی که در تحریر و عروه به عنوان سبیل الله ذکر شده است واقعاً سبیل الله نمی دانند یا سبیل الله می دانند؟ واینکه جهاد را ذکر کرده اند دلیل دارند؟

پاسخ - اثبات شی نفی ما عداه نمی کند به عبارت دیگر، نزد شیعه تردیدی نیست که جهاد از مصادیق سبیل الله است. بنابراین وقتی عامه نیز سبیل الله را در جهاد معنی کرده اند بنابراین امامیه و عامه متفق القول هستند که از مصادیق سبیل الله جهاد است لذا قدمای فقهای امامیه دیگر ضرورتی بر ذکر موارد اختلافی که عبارت از امور خیر و مصالح عمومی ندیده اند.

سید یزدی فی سبیل الله در العروة الوثقی را معنی کرده است در « وهو جمیع سبل الخیر کبناء القانطر و المدارس و الخانات و المساجد تو عمیرها و تخلص المومنین من ید الظالمین و نحو ذالک کاصلاح ذات البین و دفع وقوع الشرور و الفتن بین المسلمین و کذا اعانة الحجاج و الزائرین و اکرام العلماء و المشتغلین مع عدم تمکنهم من الحج و زیارة والاغتغال و نحوها من اموالهم بل الاقوی دفع هذا السهم فی کلّ قربة . [5] البته اقوایی که سید می گوید را بحث خواهیم کرد.

بنابراین گرایش عمومی متاخرین تعمیم است. اما این تعمیم تا کجا و چه مواردی است را نیز خواهیم گفت. دلیل آن در روایت تعمیم داده شده است که حتی می توان برای کسانی که آنها به حج ببرند خرج بشود.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ أَنَّهُ ذَكَرَ فِي تَفْسِيرِهِ تَفْصِيلَ هَذِهِ الثَّمَانِيَةِ الْأَصْنَافِ فَقَالَ فَسَّرَ الْعَالِمُ ع فَقَالَ: الْفُقَرَاءُ هُمُ الَّذِينَ لَا يَسْأَلُونَ لِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ- لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ- يَخْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ- تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا» - «وَالْمَسَاكِينُ» هُمُ أَهْلُ الرِّمَانَاتِ - قَدْ دَخَلَ فِيهِمُ الرِّجَالُ وَ النِّسَاءُ وَ الصَّبِيَّانُ - «وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا» هُمُ السُّعَاةُ وَ الْجُبَاةُ - فِي أَخْذِهَا وَ جَمْعِهَا وَ حِفْظِهَا- حَتَّى يُؤَدُّوَهَا إِلَى مَنْ يَنْقَسِمُهَا وَ الْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ- قَالَ هُمُ قَوْمٌ وَحَدُّوا اللَّهَ- وَ خَلَعُوا عِبَادَةَ مَنْ دُونِ اللَّهِ- وَ لَمْ تَدْخُلِ الْمَعْرِفَةُ قُلُوبَهُمْ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ص- وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَتَأَلَّفُهُمْ وَ يُعَلِّمُهُمْ- وَ يُعَرِّفُهُمْ كَيْمَا يَعْرِفُوا- فَجَعَلَ لَهُمْ نَصِيبًا فِي الصَّدَقَاتِ لِكَيْ يَعْرِفُوا وَ يَزْعُوا - «وَفِي الرِّقَابِ» قَوْمٌ لَزِمَتْهُمْ كَفَّارَاتٌ فِي قَتْلِ الْخَطَا- وَ فِي الظَّهَارِ وَ فِي الْأَيْمَانِ وَ فِي قَتْلِ الصَّيْدِ فِي الْحَرَمِ- وَ لَيْسَ عِنْدَهُمْ مَا يَكْفُرُونَ وَ هُمُ مُؤْمِنُونَ- فَجَعَلَ اللَّهُ لَهُمْ سَهْمًا فِي الصَّدَقَاتِ لِيَكْفُرَ عَنْهُمْ- «وَالْغَارِمِينَ» قَوْمٌ قَدْ وَقَعَتْ عَلَيْهِمْ دِيُونٌ- أَنْفَقُوهَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ إِسْرَافٍ- فَتَجِبُ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَقْضِيَ عَنْهُمْ- وَ يَفْكَهُمْ مِنْ مَالِ الصَّدَقَاتِ- «وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ» قَوْمٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجِهَادِ- وَ لَيْسَ عِنْدَهُمْ مَا يَتَّقَوْنَ بِهِ- أَوْ قَوْمٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَيْسَ عِنْدَهُمْ مَا يَحْجُونَ بِهِ- أَوْ فِي جَمِيعِ سُبُلِ الْخَيْرِ- فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُعْطِيَهُمْ مِنْ مَالِ الصَّدَقَاتِ- حَتَّى يَقْوُوا عَلَى الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ-

«وَأَبْنِ السَّبِيلَ» أَبْنَاءُ الطَّرِيقِ - الَّذِينَ يَكُونُونَ فِي الْأَسْفَارِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ - فَيُقْطَعُ عَلَيْهِمْ وَيَذْهَبُ مَالُهُمْ - فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَرُدَّهُمْ إِلَى أَوْطَانِهِمْ مِنْ مَالِ الصَّدَقَاتِ. [6]

سند روایت

تفسیر علی بن ابراهیم مرسل است و برخی از آن از ابی الجارود زیدی است. البته علماء به تفسیر قمی اعتماد کرده اند. نکته قابل توجه این است که در مسایل اعتقادی تفسیری، به محتوی روایت توجه می شود. مثلاً مرحوم طبرسی در الاحتجاج می گوید سند ها را حذف کرده بخاطر اینکه مسایل کلامی عقلی هستند و با عقل پذیرفته با رد می شوند لذا نیازی به سند ندیده اند. اضافه برآن اعتماد علما به تفسیر قمی مایه اطمینان می شود. که حتی این اعتماد علما به تفسیر قمی موجب شده محقق خوبی به آن اعتماد کنند.

دلالت روایت

اولاً، مراد از عالم در صدر روایت یعنی معصوم علیه السلام است. ثانیاً، در ذیل روایت می فرماید: «وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ» قَوْمٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجِهَادِ - وَ لَيْسَ عِنْدَهُمْ مَا يَتَقَوَّوْنَ بِهِ - أَوْ قَوْمٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَيْسَ عِنْدَهُمْ مَا يَحْجُونَ بِهِ - أَوْ فِي جَمِيعِ سُبُلِ الْخَيْرِ - فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُعْطِيَهُمْ مِنْ مَالِ الصَّدَقَاتِ - حَتَّى يَقْوُوا عَلَى الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ. می فرماید عده ای به جهاد می روند اما کسی را ندارند آنها را پشتیبانی کند. یا عده ای از مومنین پولی ندارند که با آن حج بروند و یا پولی ندارند که در مسیر خیر خرج کنند. روایت تصریح می کند جایز است دراین مسیر از فی سبیل الله خرج بکنند.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع يَكُونُ عِنْدِي الْمَالُ مِنَ الزَّكَاةِ أَفَأَحْجُ بِهِ مَوَالِيَّ وَ أَقَارِبِي قَالَ نَعَمْ لَا بَأْسَ [7].

اسناد شیخ صدوق به علی بن یقطین صحیحی است. سوال می تواند با مالی که نزد او است موالی و اقارب خود را به حج بفرستد امام علیه السلام فرمودند جایز است. روشن است که مورد مصرف فی سبیل الله است چون دیگر مصارف زکات نیست.

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الصَّرُورَةِ أَيَحُجُّ مِنَ الزَّكَاةِ قَالَ نَعَمْ [8].

سند شیخ صدوق به محمد بن مسلم ان قلت دارد. ولی سند دیگری شیخ صدوق از حریز به محمد بن محمئ مسلم دارد. این اسناد سند روایت را درست می کند. دلالت روایت روشن است اضافه بر این اهل بیت پول می گذاشتن برای حل دعوا و اختلاف و این احتمال پولی که جدا می کردند از پول زکات است. روایت زیر در این رابطه است.

ابْنُ سَنَانٍ عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ سَابِقِ الْحَاجِّ قَالَ: مَرَّ بِنَا الْمُفَضَّلُ وَأَنَا وَخَتْنِي نَتَشَاوِرُ فِي مِيرَاثٍ فَوَقَّفَ عَلَيْنَا سَاعَةً ثُمَّ قَالَ لَنَا تَعَالَوْا إِلَى الْمَنْزِلِ فَأَتَيْنَاهُ فَأَصْلَحَ بَيْنَنَا بِأَرْبَعِمِائَةٍ دِرْهَمٍ فَدَفَعَهَا إِلَيْنَا مِنْ عِنْدِهِ حَتَّى إِذَا اسْتَوْثَقَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا مِنْ صَاحِبِهِ قَالَ أَمَا إِنَّهَا لَيْسَتْ مِنْ مَالِي وَ لَكِنْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ أَمَرَنِي إِذَا تَنَارَعَ رَجُلَانِ مِنْ أَصْحَابِنَا فِي شَيْءٍ أَنْ أَصْلَحَ بَيْنَهُمَا وَ أَفْتَدِيَهَا مِنْ مَالِهِ فَهَذَا مِنْ مَالِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع [9].

سند روایت

ابن سنان از جهت سند یعنی محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن بن سنان. یعنی مرحوم کلینی روایت می کند. اسم ابو حنیفه سابق الحاج سعید بن بیان است. و چون در حج عجله نمی کرده و همیشه جزو نفرات آخر بوده بابت این کار مذمت می شده اما نجاشی او را توثیق کرده است.

دلالت روایت

می گوید درحالی که با داماد- ختن به داماد است و به شوهر خواهر نیز داماد گفته می شود- خودم مشاجره می کردم مفضل از پیش ما گذشت. مفضل یک ساعتی ایستاد تا ببیند برای چه دعوا می کنیم. مفضل به ما گفت به منزل من بیاید و قتی رفتیم دویست درهم به ما داد. از تمام شدن دعوا و رفع کدورت مطمئن شد. مفضل گفت این از اموال من نیست بلکه امام صادق علیه السلام آنها به من که اگر از شیعیان با هم اختلاف داشتند با صرف این پول بین آنها آشتی بدهم. بنابراین این پول امام صادق علیه السلام. البته نمی توان به قطع گفت از اموال زکات بوده و چه بسا از اموالی دیگری که نزد امام صادق بوده است ولی به عنوان احتمال می توان از اموال زکوی است. بنابراین فی سبیل الله جهاد و غیر جهاد از مصالح مومنین است. آیا فی سبیل الله کل قربه است یا آنکه در مصالح عمومی باشد؟

در جلسه گذشته عبارات علما را خوانیدم. مرحوم بروجردی در تعلقیه خود مصالح عامه را گفتند اند. ولی در توضیح المسائل قید عامه را اضافه نکرده اند و امام راحل در حاشیه خود به توضیح المسائل مرحوم بروجردی قید عامه را اضافه کرده اند. یک جلد از مجموعه آثار امام راحل توضیح المسائل مرحوم بروجردی با حاشیه امام راحل است- مرحوم آقای شاهرودی نیز تصریح کرده اند باید مصالح عامه باشد. توضیح مطلب اینکه، مثلاً بین پدر و پسر که هر دو پولدار هستند اختلاف بشود آیا می توان با پول دعوای آنها حل کرد از این جهت که زیر مجموعه اصلاح بین الاثنین است. و یا مثلاً زن و شوهر هر دو پولدار هستند برای حل دعوای آنها می توان زیر مجموعه ادخال السرور فی قلوب المومنین قرار داد و به آنها از سهم

فی سبیل الله بدهند؟ امام راحل معتقد هستند نمی شود، و همچنین دیگر یزرگان اجازه نمی دهد.

چرا نمی توان فی سبیل الله را صرف مصالح شخصی کرد؟ در روایات از زکات تعبیر به اوساخ اموال الناس یعنی چرک های اموال مردم است. چرک ها را افراد نیازمند می گیرند. اما افراد بی نیاز نمی گیرند

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ ع قَالَ: الْخُمْسُ مِنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ مِنَ الْغَنَائِمِ وَالْغَوْصِ وَمِنَ الْكُنُوزِ وَمِنَ الْمَعَادِنِ وَالْمَلَاخَةِ يُؤْخَذُ مِنْ كُلِّ هَذِهِ الصُّنُوفِ الْخُمْسُ فَيُجْعَلُ لِمَنْ جَعَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ وَيُقَسَّمُ الْأَرْبَعَةُ الْأَخْمَاسَ بَيْنَ مَنْ قَاتَلَ عَلَيْهِ وَوَلِيٍّ ذَلِكَ وَيُقَسَّمُ بَيْنَهُمُ الْخُمْسُ عَلَى سِتَّةِ أَصْهُمٍ،..... وَإِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ هَذَا الْخُمْسَ خَاصَّةً لَهُمْ دُونَ مَسَاكِينِ النَّاسِ وَأَبْنَاءِ سَبِيلِهِمْ عَوَضاً لَهُمْ مِنْ صَدَقَاتِ النَّاسِ تَنْزِيهاً مِنَ اللَّهِ لَهُمْ لِقَرَابَتِهِمْ بِرَسُولِ اللَّهِ ص وَكَرَامَةً مِنَ اللَّهِ لَهُمْ عَنْ أَوْسَاخِ النَّاسِ. [10]

حماد بن عیسی از اصحاب اجماع است بنابراین سند روایت سند خوبی است. امام علیه السلام تعبیر به اوساخ الناس کرده است و به این معنی که در شان آنها نیست. روایت اول این باب همین تعبیر را دارد. و نیز فی سبیل الله در سیاق مصارف عمومی زکات قرار گرفته است یعنی اصناف زکات اصناف عمومی هستند که فی سبیل الله در سیاق آنها قرار گرفته است.

استاد: این استدلال محکمی به نظر نمی رسد. ولی صرف در مصارف عمومی موجب یقین به براءت ذمه می شود بر خلاف آن اگر در مصارف شخصی صرف بشود یقین به براءت ذمه حاصل نمی شود.

شرط ایمان برای مصرف زکات در مبارزه با کرونا ویروس

دو بحث در اینجا قابل مطرح شدن است. یکی شرط ایمان است. سید یرزی مساله را ذکر کرده است.

الأول: الإيمان فلا يعطى للكافر بجميع أقسامه ولا لمن يعتقد خلاف الحق من فرق المسلمين حتى المستضعفين منهم إلا من سهم المؤلفة قلوبهم وسهم سبيل الله في الجملة ومع عدم وجود المؤمن والمؤلفة وسبيل الله يحفظ إلى حال التمكن. [11]

زکات به اقسام کافر داده نمی شود. نیز به فرقه های منحرف و حتی مستضعفین آنها را نمی شود زکات بدهد مگر از سهم مؤلفه قلوبهم که می تواند به آنها زکات داد. سهم مؤلفه قلوبهم روشن است به آنها زکات داده می شود که دل آنها متمایل به اسلام می شود. اما سهم سبیل

الله را جناب سيد في الجملة فرموده است. محقق خوي می فرماید صرف از سهم سبیل الله برای غیر مومن در مصلحت مومن می شود. متن عبارت محقق خوي: كما إذا كان الصرف على غیر المؤمن لمصلحة المؤمن فيكون هو في الحقيقة من الصرف على المؤمن فتدخل في النصوص المتقدمة، و أما من دون ملاحظة ذلك، فلا يجوز الصرف، لإطلاق النصوص المانعة [12]. جلسہ آئندہ شرط ایمان را بررسی می کنیم

[1] النهاية، الشيخ الطوسي، ج ١، ص ١٨٤.

[2] المقنعة، الشيخ المفيد، ج ١، ص ٢٤١.

[3] المراسم العلوية في النبوة، الديلمي، الشيخ أبي يعلى، ص ١٣٣.

[4] الجمال و العقود في العبادات، الشيخ الطوسي، ج ١، ص ١٠٣.

[5] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٤، ص ١٢٠-١٢١.

[6] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٩، ص ٢١١-٢١٢، أبواب المستحقين، باب ١، ح ٧، ط آل البيت.

[7] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٩، ص ٢٩٠، أبواب المستحقين للزكاة و وقت التسليم و النية، باب ٤٢، ح ١، ط آل البيت.

[8] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٩، ص ٢٩٠، أبواب المستحقين للزكاة و وقت التسليم و النية، باب ٤٢، ح ٢، ط آل البيت.

[9] الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج ٢، ص ٢٠٩.

[10] الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج ١، ص ٥٣٩.

[11] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٤، ص ١٢٤.

[12] موسوعة الامام الخوئي، الخوئي، السيد أبو القاسم، ج ٢٤، ص ١٣٥.